

مجموعه، اتفاقاتی چون اختلاس‌های مختلف را هم اضافه کنید که عملاً باعث عدم اطمینان مردم به آینده شده است؛ اختلاس‌هایی که توسط گروه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی رخ داده.

■ یعنی به نوعی تضعیف اعتماد اجتماعی اتفاق افتاد؟

دقیقاً. اعتماد مردم کم شد. این مردم، همان مردمی بودند که در زمان جنگ تحمیلی، اگر بچه اول شان شهید می‌شد، روی پیشانی بچه دوم شان سریند می‌بستند و راهی اش می‌کردند. خودشان هم پشت جبهه فعالیت می‌کردند و هیچ چشم‌داشتی نداشتند. در این شرایطی که حال و روز اقتصاد خوب نیست، چشم‌انداز آینده هم خوب نیست، برنامه‌ریزی‌ها هم عدم اطمینان به آینده را بیشتر می‌کند و اختلاس‌هایی هم اتفاق می‌افتد که عملاً و دقیقاً سرمایه و اعتماد اجتماعی را نشانه گرفته، یک دفعه شوک جدیدی وارد می‌شود. آن هم برای دهک‌های پایین که هنوز نتوانسته‌اند شوک‌های قبلی را هضم کرده و با آن کنار بیاورند. شخصاً معتقدم که این شوک وارد شده ناشیانه بود، هر چند که قانونی تلقی می‌شد و طبق ماده ۳۹ برنامه ششم، اجازه چنین کاری داده شده بود تا این افزایش قیمت صورت بگیرد. اما در اجرا ناشیانه بود و اعتراف‌هایی هم در این زمینه صورت گرفته. این استدلال که اگر زودتر می‌گفتم مردم باید حلی را می‌جایگاه‌های سوخت و پمپ بنزین‌ها می‌شدند غیر کارشناسی بود. با توجه به اتفاقاتی که در یک سال و نیم گذشته افتاده بود و با این شیوه اجرای طرح جدید، طبیعی است که عدم اطمینان به آینده بیشتر شده و مردم را وادار به واکنش‌هایی می‌کند. گاهی این واکنش می‌تواند سکوت باشد، گاهی اعتراض‌هایی که شاید بعضی وقت‌ها هم ویرانگر از آب درآید. غالباً هم در اعتراض‌هایی از این دست، گروهی مخالف نظام و فرصت‌طلب هم هستند که آب را گل آلود می‌کنند تا از آن ماهی بگیرند ولی در نهایت صدایی که بلند شد، صدای اعتراض گرسنگان و صدای درد و زخم فقری است که بر پیکره افراد فقیر و با درآمد پایین جامعه ایجاد شده. لذا اعتراضات آبان ۹۸ را کسانی رقم زدند که سفره‌شان کوچک و کیفیت سفره‌شان هم بدتر شد. من بارها به مزاح می‌گویم که مایک یوزار سیف می‌خواهیم که خیلی صادقانه به مردم بگویید چند سال باید سختی بکشند تا بتوانیم به روزگار خوش برسیم و از این مرحله عبور کنیم. متأسفانه انباشت نارضایتی‌ها در طول سالیان متمادی و در زمان دولت‌های مختلف گاهی وقت‌ها سرباز می‌زند و هر بهانه‌ای می‌تواند منجر به این امر شود. دردی ۹۶ افزایش ارز بهانه این امر شد و در آبان ۹۸، افزایش قیمت بنزین مردم ولی هنوز قانع نشده‌اند و اگر هم بیرون نشسته‌اند، به دلیل این است که اجازه به کسانی که فرصت‌طلبی می‌کنند و می‌خواهند از آب گل آلود ماهی بگیرند، ندهند.

■ این ادعا که حجم جامعه متوسط مادر کوچک و دهک‌های پایین دارد بزرگ‌تر می‌شود را قبول دارید؟

بله، طبیعی است. عرض کردم که این جور مواقع، طبقه متوسط کوچک شده و در شرایط بد اقتصادی و عدم اطمینان به آینده، شیب این طبقه به سمت طبقات پایین می‌باشد.

■ شما تأکید زیادی روی اقتصاد و درآمد به عنوان حدفاصل طبقه‌های اجتماعی دارید. این در حالی است که متغیرهای دیگر فرهنگی و پایگاه اجتماعی و شبیه آن هم هستند که طبقات اجتماعی را تعریف می‌کنند. چرا این قدر روی این متغیر اقتصاد و درآمد تمرکز دارید؟

بله، اقتصاد هست، بخشی از این هم به سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی و... برمی‌گردد. اما در آبان ۹۸، همه چیز تحت الشعاع مباحث اقتصادی قرار گرفت. جامعه‌ای که بحران اقتصادی داشته باشد ولی سرمایه اجتماعی اش بالا باشد، احتمال بروز شورش‌های عمومی در آن پایین است. وقتی ما قبلاً بخشی از این سرمایه اجتماعی را از دست داده باشیم، طبیعی است که بروز یک شوک جدید که اقتصادی هم هست و سرمایه اقتصادی مردم را نشانه گرفته، منجر به بروز شورش‌ها و بحران‌ها و حتی اعتراضات خشونت‌آمیز هم بشود. این جور چیزها تک بعدی نمی‌تواند باشد. اما اگر جامعه‌ای فقیر باشد ولی سرمایه اجتماعی بالایی داشته باشد، در این صورت اعتماد اجتماعی ایجاد شده و مردمی می‌کنند.

■ مثل کشور هند؟

بله، من همیشه گاندی را مثال می‌زنم. هند زمانی که مستعمره مطلق انگلیس بود از این امپراطوری جدا شد ولی گاندی چه کار کرد؟ او گفت که برای خروج از چنین شرایطی، باید همه‌مان مثل هم باشیم. به همین دلیل خانه و

زندگی گاندی مثل باقی مردم بود. و البته ویژگی کاریزماتیک او هم در این امر خیلی دخیل بود. به هر حال کاریزما از کارکردهای رهبران بزرگ است. گاندی حتی از انگلستانی که این همه هندی‌ها را استعمار مطلق کرده بود، استفاده کرد؛ چرا که معتقد بود با انگلستان گره کرده، نمی‌شود دستان کسی را به گرمی فشرد. مردم هند همان مردم بودند، منابع هند همان منابع غارت شده بود، پس چرا چنین اتفاقی افتاد؟ گاندی برای نخبگان و برای کسانی که فکر می‌کردند احترام قائل بود. من بارها گفته‌ام که نخبگان اجتماعی و اقتصادی و دیگر نخبگان ما، در عرصه‌های سیاستگذاری و مدیریتی وجود نداشته و دولت نیز توان استفاده از نخبگان مستقل و آزاد را ندارد و غالباً دنبال نخبگان تأییدکننده است و گرنه قابل درک بود که با این شرایط و عدم اطمینان به آینده،



شوک جدید نباید وارد می‌شد یا به شکلی حرف‌های تریبداجر می‌شد.

■ از صحبت‌های شما این برداشت را دارم که مهم‌ترین تمرکز حکمیت و نظام، باید تمرکز روی اعتماد اجتماعی و ترمیم آن باشد، درست است؟

تمرکز روی ترمیم سرمایه اجتماعی؛ چرا که اعتماد اجتماعی ذیل سرمایه اجتماعی تعریف می‌شود.

■ دیگر چه راه‌حلی برای رفع مشکلات حاضر وجود دارد؟

باید شفافیت ایجاد شده و صداقت با مردم در دستور کار قرار گیرد. مردم هنوز حرف‌های مطرح شده را باور نکرده‌اند. این را به عنوان کسی می‌گویم که کف خیابان‌ها دارم با مردم زندگی می‌کنم. نکته دوم شایسته‌سالاری است.

در دولت‌های مختلف، معمولاً نزدیک‌ترین‌ها به دولت‌مدان متهم به فساد و اختلاس شده‌اند. حالا البته بعضی‌ها هم متهم می‌شوند و شاید تیرئه هم بشوند. سوء مدیریت‌ها باید کنترل و حذف شود، چرا که مهم‌ترین عامل در بروز وقایع اخیر بوده. بحث من هم این دولت و آن دولت نیست، بحث من ساختاری است. متأسفانه بعضی‌ها بحث را سیاسی می‌کنند و به اصولگرها و اصلاح طلب تقلیل می‌دهند. بحث من کلی است. بگذارید خاطره‌ای بگویم: زمان جوانی فوتبال من خوب بود و در تیمی بازی می‌کردم. در یکی از بازی‌ها باید سه تا گل می‌زدیم تا به مرحله بعد صعود کنیم. مربی ما آمد و مرا که فوراً رد بودم، دفاع گذشت و دفاع را به جای من گذاشت. کلاً جای همه را عوض کرد و سیستم تیم به هم ریخت. نیمه اول گلی نزدیم. در بین نیمه، یک «مش شعبان» داشتیم که به مربی گفت شما کاری به تیم نداشته باش، همه را بفرست زمین و خودشان می‌دانند باید در کدام پست بازی کنند. همین طور هم شد و هر کسی در پستی که می‌دانست بهتر است قرار گرفت و هفت تا گل زدیم. مشکل امروز ما این است که کسی سر جایش نیست و باید شایسته‌سالاری بیشتر در دستور کار قرار بگیرد.